سرآمد اقتصاد
چهارشنبه-۲۸ آذر ۱۴۰۳-سال هشتم-شماره ۲۰۹۳

یادداشت

یادی از دلاوری دریادل

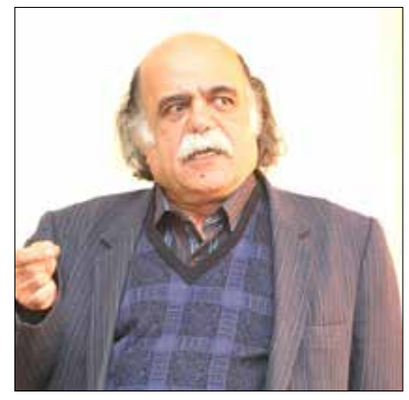

میرجلال‌الدین کزّازی- ایران سرزمینی کرانه‌ای نیست و تنها از یک سوی با دریا و با آب‌های آزاد هم مرز است و به یاری شاخابهٔ (=خلیج) پارس با آن‌ها در پیوند. نیروی دریایی در سرزمین‌هایی بنیاد می‌گیرد و در می‌گسترد و کارایی و توانمندی بسیار می‌یابد که نخست، از همه سوی با دریا هم‌مرزند و سپس، از سه سوی و سرانجام، از دو سوی.

سرزمینی نیز که هیچ مرز دریایی ندارد، نیاز به نیروی دریایی نمی‌تواند داشت. پس همهٔ هزینه و توان و تلاشش را در کار خواهد آورد تا نیروی زمینی خویش را توانمند و کارآمد بگرداند. از همین روست که کشوری چون یونان -آن هماورد دیرینهٔ ایران‌زمین- در نبردهای دریایی بنیرو بوده است و چیره‌دست؛ زیرا این کشور آبخوستگاه (= مجمع‌الجزایر) بوده است و از آبخوستی (=جزیره) چند، پدید می‌آمده است.

ایران که بیشهٔ شیران است و زادگاه و زیستگاه دریادلان و دلیران، هرچند تنها از یک سوی با دریا و آب‌های آزاد در پیوند بوده است و ازاین‌روی، نیازی ناگزیر و ستوه‌آور به نیروی دریایی نداشته است، این نیرو را فرونمی‌گذاشته است و بدان نیز می‌اندیشیده است و می‌پرداخته است. از آن است که نیروی دریایی، در این سرزمین سپند اهورایی، پیشینه‌ای دیرینه یافته است و نمونه را، در روزگار هخامنشیان، ایرانیان در دریا نیز با دشمنانشان می‌جنگیده‌اند و مرزهای آبی ایران را، از درازدستی و تاراج و آزمندی و ستمگاری آنان، پاس می‌داشته‌اند و برابر تازش‌هایشان، بشکوه و نستوه چون کوه، درمی‌ایستاده‌اند و شگفتی می‌آفریده‌اند. نازش و سرافرازشی است بزرگ و بَرین و بی‌مانند ایرانیان؛ به‌ویژه دلاورانِ رَزمرَن شیراوژنِ سپه شکنِ نیروی دریایی را که در ایران هخامنشی، بانویِ زیباروی و جنگاور و پلنگینه‌خوی دریاسالار شیرشکار ایرانشهر بوده است و ناوگان دریایی ایران را، در نبرد و آوَرد با ناوگان نیرومند یونان، فرمان می‌داده است و راه می‌نموده است.

تاریخ‌نگاران یونانی گزارش دلاوری‌های این زیباروی جنگجوی را که زیبایی را با لشکرآرایی و دریاسالاری را با دلداری و شهرآشوبی را با دشمن‌کوبی درمی‌آمیخته است، در تاریخ‌نامه‌های خویش آورده‌اند و بر پایهٔ روش بیهوده و ناستوده‌شان، نام ایرانی او را به نامی یونانی واگردانیده‌اند و وی را آرتیمیس نامیده‌اند.

باری! نیروی دریایی ایران را، مانند نیروی زمینی آن، سرگذشتی است دیرینه و درخشان. این نیرو، در روزگار نو نیز، در کنار دو نیروی دیگر؛ زمینی و هوایی، در هر جنگ، هراس‌ناشناس و پولادچنگ، دلیرانه، مرزهای سه‌گانه این بوم بهین و میهنِ مِهین را از گزند و آسیب دشمنان پاسَ داشته‌اند و درفشِ سربلندی و ارجمندی برافراشته‌اند و حتّا از جانَ افشانی، در راه رهایی ایران از چنگ بیدادیانِ بَربنیادِ ناخجسته‌یاد، دریغ نورزیده‌اند.

یکی از این شیروَشانِ جان افشان، دریابان غلامعلی بایندُر است: جنگاوری دلیر و دانشوری هُژیر، فرّمندی فرهیخته و میهن‌پرستی جان انگیخته که در برابر آنان که چشم آز به ایران می‌دوختند و جز کین ایرانیان، در دل، نمی‌اندوختند و جان، از تیرگی و تباهی در این سرزمین سپند و ستودهٔ روشنایی و روشن‌رایی، برمی‌افروختند، ایستاد و آنان را آموزه و اندرزی درشت و دندان‌شکن و از یاد نارفتنی داد. روانش در مینوی بَرین، شاد باد و نام بلندش همواره در یاد!

در فرجام این دیباچه، می‌سزد که تلاش پیگیر سرگرد رضا جهانفر را که تلاشی بوده است دشوار و نیز، به‌گونه‌ای ناسازوارانه (=پارادُکسیکال): دل‌پذیر، در نوشتن سرگذشت این بزرگ‌مرد نیروی دریایی، ارج بنهم و او را، به پاس تلاش ارزنده و برازنده‌اش در شناساندن این دلاور دریادل، به ایرانیان فرّخباد بگویم و کامکاری و بختیاری در کارهایی پژوهشی و فرهنگی ازاین‌گونه را، برای او، از درگاه دوست، آرزو ببرم. ایدون باد.

ویژه
حماسه باسعیدو
پرچم بالاست

نگاه «روزنامه دریایی سرآمد» به زندگی‌نامه شهید غلامعلی بایندُر؛

نقش فرمانده نیروی دریایی در اخراج انگلیسی‌ها از بندر باسعیدو

فرمانده مبارزه با استعمار انگلیس در خلیج فارس

سرآمد با هجوم قوای متفقین به ایران در شهریورماه ۱۳۲۰، درگیری‌هایی در مناطقی از شمال و جنوب کشور ایجاد شد. برخی از نیروهای ایران در شمال با قوای ارتش روسیه درگیر شدند و گروهی دیگر با قوای انگلیس در جنوب کشور. عمده نیروهای نظامی ایران که به مقاوت در برابر اشغال کشور توسط قوای متفقین پرداختند، سربازاران، افسران و حتی فرماندهان نیروی دریایی بودند. دریابان غلامعلی بایندُر، فرمانده سابق نیروی دریایی ایران، یکی از همین سربازانی بود که در جریان درگیری‌های میان قوای ایران و انگلستان در جنگ جهانی دوم در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ برای وطنش شهید شد.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، وقتی متفقین در شهریور ۱۳۲۰ از شمال و جنوب به ایران حمله کردند، ارتش شاهنشاهی، با نخستین شلیک‌ها از هم پاشید. ارکان نظامی کشور از هم پاشید و فقط اینجا و آنجا گروه‌هایی با تکیه بر وطن‌پرستی سعی در جلوگیری از اشغال کشور توسط نیروهای بیگانه داشتند. مردان زیادی اسلحه به‌دست گرفتند و جنگیدند و خون‌شان را نثار وطن کردند، از جمله ۲ برادر بیجاری، که روزگار یارشان بوده و نام‌شان از آن روزهای سیاه عبور کرده و همچنان شنیده می‌شوند. برادران بایندُر، افسران وطن‌پرست نیروی دریایی بودند که بعد از سال‌ها مشق نظامی، در روزی که وطن به آنها نیاز داشت اسلحه به‌دست گرفتند و علیه نیروهای مهاجم جنگیدند و در همین راه شهید شدند.

وقتی در انتهای شب دوم شهریور، متفقین بی‌طرفی ایران را نادیده گرفتند و چند ساعت بعد روس‌ها از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب از طریق هوا و دریا به ایران حمله کردند، برادر جوان‌تر که فرمانده ناوگان شمال بود، هسته اصلی مقاومت را در بندر انزلی علیه ارتش سرخ تشکیل داد و برادر بزرگ‌تر هم فرماندهی مقاومت در جنوب را به‌عهده گرفت.

نگاهی گذرا به زندگی‌نامه غلامعلی بایندُر

غلامعلی بایندُر در ۲۳ آذر ۱۲۷۷ در تهران متولد شد. پدرش علی‌اکبر، ملقب به «دبیر دربار» از سران طایفه بایندُر بیجار گروس بود. از آنجا که او از منشیان دربار مظفرالدین‌شاه قاجار بود. از این رو در تهران سکونت داشت. غلامعلی دوران کودکی خود را در کوچه قائم مقام در محله بزرگ عودلاجان تهران، در نزدیکی‌های پامنار، گذراند. او که کودکی با استعداد و توانا بود، در عین حال شر و شور فراوانی نیز داشت.

بایندر پس از پایان تحصیلات در دارالفنون، به علت علاقه فراوان به نظامی‌گری، درصدد ورود به مدرسه نظام مشیرالدوله برآمد در اولین دوره این مدرسه، بیش از ۲۰۰ نفر، داوطلب ورود به این مدرسه شده بودند از جمله غلامعلی بایندُر که در پالایش نمرات جزو از نفرات برتر شد. او علاقه خاصی به رشته مهندسی داشت و در دوران خدمت هم بر آن شد که آموخته‌های خود را در رشته مهندسی به کار گیرد. او در سال‌های بعد بر اساس علم و اندوخته‌ای که در این رشته داشت در هنگام خدمت در نیروی دریایی، در شناسایی و اجرای علائم مرزی ما بین ایران و عراق نقش فعالی داشت.

دولت ایران برای تشکیل ارتش نوین، مطابق ارتش‌های اروپایی، عده‌ای از افسران را در ۱۳ خرداد ۱۳۰۲ به ریاست سرتیپ امان الله میرزا جهانبانی برای نخستین بار برای فرا گرفتن فنون جدید و مطالعه به نظام اروپا اعزام داشت. ستوان غلامعلی‌خان بایندُر نیز یکی از اعضای این گروه ۴۷ نفر بود. بایندُر طی دو دوره برای تحصیل به فرانسه رفت که در دوره دوم حضور در این کشور فرمانده دانشگاه جنگ فرانسه ضمن یک نامه رسمی به حضور چنین افسری در دانشگاه اظهار خوشبختی می‌کند.

نقش بایندُر در سازماندهی نیروی دریایی

بایندر هنگام تشکیل نیروی دریایی در دوره پهلوی اول برای آموزش نیروی ویژه دریایی و تحویل گرفتن ناوهایی به اسامی ببر، شهباز، پلنگ، سیمرغ، کرکس و شاهرخ به ایتالیا رفت و پس از چند سفر به ایران و دریافت دستورهای لازم به ایران بازگشت و در ۱۴ آبان ۱۳۱۱ نیروی دریایی ایران به فرماندهی غلامعلی بایندُر در بوشهر تاسیس شد.

براساس آنچه در منابع و اسناد آمده بایندُر قبل از تشکیل رسمی نیروی دریایی و مناطق مناسب برای استقرار پایگاه‌های دریایی ایران تلاش وافری از خود نشان داد. حضور مقتدرانه نیروی دریایی ایران به همراه ناوگانی که در خرمشهر، آبادان و اروندرود قدرت‌نمایی می‌کرد که اقدامات بایندُر باعث اعتراض انگلیسی‌ها و عمال آن‌ها در بصره و حتی مسئولان شرکت نفت ایران و انگلیس شد! زیرا بایندُر قوانین وضع شده از سوی انگلیسی‌ها را در آبادان و بصره به رسمیت نمی‌شناسد. به شکلی که چنین استنباط شد که نیروی دریایی ایران با اقدامات خود قصد به رخ کشیدن قدرتش به انگلیسی‌ها را داشت و تداوم قوانین وضع شده از سوی آن‌ها را به چالش بکشد.

به مرور نیروی دریایی ایران در جزایر و مناطق ساحلی خلیج‌فارس گسترش پیدا کرد و همین توسعه باعث تحقق نگرانی انگلیسی‌ها که همان دخالت در امور مناطق ساحلی جنوب خلیج‌فارس شد. زیرا تا پیش از آن انگلیسی‌ها به نحوی مانع از دخالت ایرانی‌ها در امور مربوط به جزایر وسواحل جنوبی خلیج فارس شدند. اما با حضور بایندُر در نیروی دریایی تازه تاسیس ایران باعث جولان دادن در آب‌های خلیج فارس شد که به مرور به نظارت بر تردد قایق‌ها و لنج‌های شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس پرداخت که این اقدام اعتراض انگلیسی‌ها را برانگیخت، اما نیروی دریایی ایران با اقتدار به فرماندهی بایندُر به قدرت‌نمایی خود در سواحل جنوبی خلیج فارس ادامه داد.

استقرار در هنگام و خروج انگلیسی‌ها از باسعیدو

یکی دیگر از اقدامات بایندُر استقرار نیروی دریایی ایران در جزیره هنگام است که این اقدام موجب اعتراض انگلیسی‌ها شد، اما این اعتراضات راه به جایی نبرد، اما به استناد به بعضی منابع بعدها رضاشاه نسبت به رفتار جدی و بدون احتیاط بایندُر با انگلیسی‌ها درصدد برآمد که او را از فرماندهی نیروی دریایی ایران برکنار کند، اما در نهایت فردی با کفایت‌تر از او نیافت و به دادن تذکراتی مبنی بر رعایت ملاحظات و مماشات با انگلیسی‌ها اکتفا شد. برخی منابع تاریخی نوشته‌اند که عامل اختلاف شاه با بایندُر چگونگی برخورد با انگلیسی‌ها در بنادر جنوب و در آب‌های خلیج‌فارس برمی‌گردد.

یکی دیگر از اقدامات بایندُر استقرار پرچم ایران در بندر باسعیدو است که البته پس از فعالیت‌های دیپلماتیک است. از آنجا از دوره فتحعلی‌شاه تحت عنوان یک قرارداد انگلیسی‌ها در جزیره قشم مستقر شده و طی این قرارداد در جزیره سیستم تلگراف و تلفن ایستگاه‌های دریایی مجاور آن را کنترل می‌کردند و در آنجا انبار آذوقه و مهمات ساختند و هرگونه رفت و آمد را تحت نظارت خود گرفتند و روز به روز این نفوذ را گسترش دادند که پس از استقرار نیروی دریایی ایران این وضعیت با اعتراض بایندُر مواجه شد که از ستاد ارتش خواست این موضوع و برافراشته شدن پرچم انگلیس در بندر باسعیدو را بررسی کند. او تنها به این حرکت بسنده نکرد و با فرمان حرکت به فرمانده ناو پلنگ خواست به بندر مذکور برود و پرچم انگلیس را پایین بکشد و پرچم ایران را در ساحل آن بیافروزد.

بعدها انگلیسی‌ها مدعی شدند که پرچم ایران از سوی نیروی دریایی ایران پایین کشیده و پاره شده است و به این اقدام اعتراض کردند و آن را توهین دانستند. از آنجا که مذاکرات سیاسی در تهران با انگلیسی‌ها در حال انجام بود، دولت ایران از بایندُر در این رابطه توضیح خواست که او طی نامه‌ای در ۱۶ مرداد ۱۳۱۲ پایین کشیدن پرچم را تائید و پاره کردن آن را کذب محض دانست. چون دولت از بایندُر بابت پایین کشیدن پرچم توضیح خواست، نشان می‌دهد که ابتکار پایین کشیدن پرچم انگلیس در بندرباسعیدو به ابتکار بایندُر بوده و رضاشاه اطلاعی از آن نداشته است.

متاسفانه بعد از اعتراض انگلیسی‌ها، شاه و دولت ایران، رویکرد بایندُر را تائید نکردند و حتی در دوم شهریور ۱۳۱۲ به نوعی بایندُر را دعوت به مماشات با انگلیسی‌ها و حتی سرزنش کردند. به طوری که او توصیه شد لازم است رفتار خود را با انگلیسی‌ها تعدیل و حتی دوستانه کند. این رویکرد به معنی پشتیبانی نکردن رضاشاه از اعمال قدرت نظامی ایران در خلیج فارس و حمایت نکردن صریح از رفع اشغال از آب و خاک ایران بود.

بایندرها احتمالا سرشناس‌ترین افسران نیروی دریایی ایران باشند اما این نیرو، در دوران جنگ تحمیلی هم افسران لایق و وطن‌پرستی داشت که در راه دفاع از آب و خاک ایران، به شهادت رسیدند. حماسه و فداکاری تعدادی از آنها هفتم آذر سال ۱۳۵۹ عملا نیروی دریایی عراق را محو کرد و امروز به افتخار این رشادت روز نیروی دریایی نامگذاری شده است.

گفت‌وگو با عبدالرحمان شلیلیان، نویسنده فیلمنامه «دریادار بایندُر»

فیلم «بایندُر» «پیوند عشق، غیرت و تاریخ دریایی»

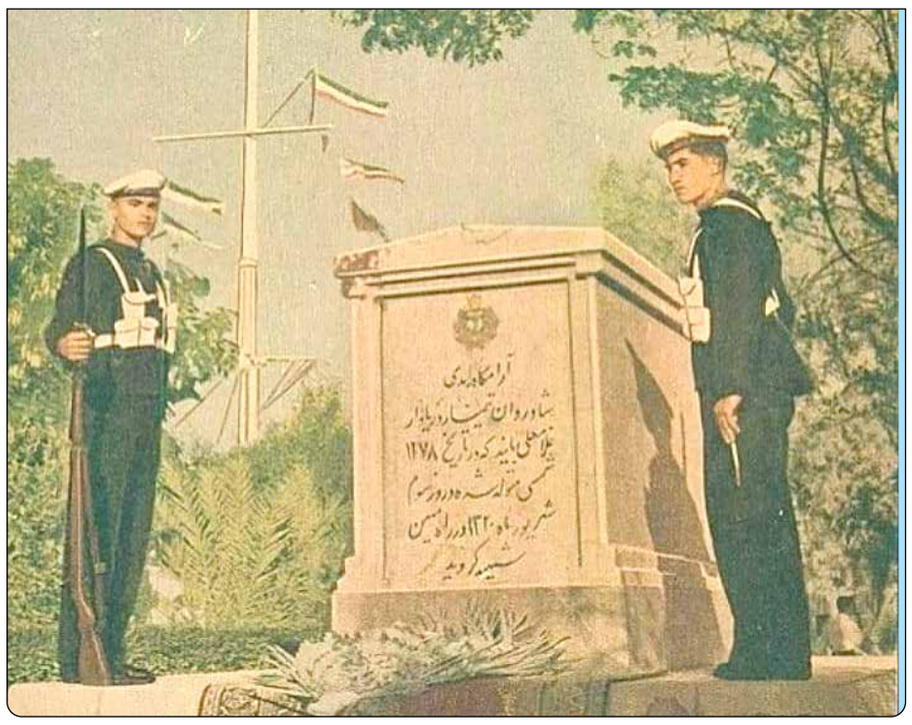

سرآمد **گروه فرهنگ دریا**- در جهانی که سینما به عنوان یک ابزار قدرتمند برای روایت داستان‌های ناب و تأثیرگذار شناخته می‌شود، فیلم «بایندر» به کارگردانی و نویسندگی عبدالرحمان شلیلیان، قصد دارد بخشی از تاریخ پر فراز و نشیب ایران را به تصویر بکشد.

به گزارش روزنامه دریایی سرآمد از بایندُر، این فیلم با تمرکز بر زندگی دریادار بایندُر و عشق او به دختری انگلیسی تبار، روایتی دلنشین از تقابل عشق و وطن‌پرستی را در دل جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهد. شلیلیان با پشتوانه تحقیقاتی گسترده و عمیق، قصد دارد تا نه تنها تاریخ را بازگو کند، بلکه پیام‌هایی بنیادین از عشق، غیرت و شجاعت را به مخاطبان خود منتقل نماید. در این گفت‌وگو، شلیلیان از مسیر پرچالشی که برای ساخت این فیلم طی کرده، ایده‌های پشت آن و انتظاراتش از این پروژه ملی سخن می‌گوید.

موضوع فیلم «بایندر» چیست؟

عبدالرحمان شلیلیان: فیلم «بایندر» روایتگر قصه عاشقی و دلباختگی دریادار بایندُر به دختری انگلیسی تبار به نام امیلی سایکس است. این فیلم تقابل دریادار بایندُر با نیروهای نظامی بریتانیا در خلیج فارس، درگیری‌های درون حاکمیتی او و مقاومت وی در برابر ورود قوای متخاصم متفقین به ایران در جریان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ را به تصویر می‌کشد.

چگونه به ایده اصلی این فیلم رسیدید؟

عبدالرحمان شلیلیان: در سال ۱۳۸۳، پس از واگذاری مجتمع صنایع دریایی شهید موسوی در خرمشهر به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، با بقایای دو مزار که در جریان جنگ تحمیلی تخریب شده بودند، روبرو شدم. این بقایا که احترام نظامی برخی افراد را به خود جلب کرده بود، مرا به تحقیق و پژوهش گسترده‌ای واداشت. این پژوهش‌ها من را با بخشی از تاریخ جذاب و ناشناخته ایران آشنا کرد که منجر به شکل‌گیری ایده اصلی فیلم شد.

چه انتظاراتی از این فیلم دارید؟

عبدالرحمان شلیلیان: فیلم «بایندر» به عنوان یک اثر هنری، پیوندی اندام‌وار بین خالق اثر، مدیوم (اثر) و مخاطب دارد. انتظار ما از این فیلم، تأثیر مطلوب و غایی بر مخاطب است. البته این تأثیر به شرایط روحی جامعه، شرایط اقتصادی و اوضاع سیاسی بستگی دارد. امید می‌رود که در زمان پخش و اکران فیلم، شرایط ایده‌آل و متعادلی حاکم باشد.

انتخاب بازیگران بر چه اساسی انجام می‌شود؟

عبدالرحمان شلیلیان: پروژه هنوز به مرحله تولید و انتخاب بازیگر نرسیده است. با این حال، برای نقش‌های اصلی کاندیداهایی در نظر گرفته‌ایم.

در فرآیند ساخت، با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

عبدالرحمان شلیلیان: در فرآیند تحقیق و نگارش متن، با مخالفت‌های جدی از سوی برخی ارکان نهادهای ذیربط مواجه بودم. این مخالفت‌ها نتیجه نگرش جزمی به وقایع تاریخی و بی‌اطلاعی از شخصیت بایندُر بود. همچنین، مشکل دسترسی به خانواده شهدای واقعه جنگ جهانی دوم نیز از چالش‌های دیگر بود. تنها فرزند و بازمانده دریابان بایندُر که در انگلیس زندگی می‌کند، مصاحبه‌ای مفصل در لندن انجام داد که اطلاعات تازه و خوبی را در اختیار ما قرار داد.

پیامی که از طریق این فیلم به تماشاگران می‌خواهید ارسال کنید چیست؟

عبدالرحمان شلیلیان: پیام فیلم در لایه‌های زیرین و فرامتن اثر نهفته است و ضمیر ناخودآگاه مخاطب را هدف قرار می‌دهد. برخی از مضامین فیلمنامه شامل صدق در عشق، غیرت و تعصب در انجام وظیفه، تکلیف‌گرایی توأم با شجاعت، خردورزی و دوراندیشی است.

این فیلم اکنون در چه مرحله‌ای از تولید است؟

عبدالرحمان شلیلیان: بیش از دو سال است که نگارش فیلمنامه تمام شده و متن به تصویب نهادهای ذیربط رسیده است. فیلمنامه «بایندر» موفق به دریافت سه جایزه بهترین فیلمنامه سینمایی از جشنواره‌های «مقاومت»، «ایثار» و «عمار» شده است. در حال حاضر، برای تولید فیلم در تلاش برای تأمین منابع مالی و جذب اسپانسر هستیم.

اطلاعاتی راجع به کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگران این فیلم به ما بدهید

تا کنون به جز خودم به عنوان نویسنده و کارگردان، حضور بقیه عوامل به دلیل عدم عقد قرارداد قطعی نیست. امرالله احمدجو به عنوان مشاور فیلمنامه همکاری داشته و در بخش تحقیق و پژوهش نیز افرادی مانند دکتر محمد احمدی بافنده، خسرو معتضد، دکتر رضا جهان‌فر و ناخدا یکم دکتر حمید شایگان به عنوان مشاوران همکاری کرده‌اند. قرار است بهروز افخمی به عنوان مشاور کارگردان همکاری نماید.

چه ارگان‌ها یا نهادهایی تا به امروز در زمینه ساخت و تهیه این فیلم ملی کمک کرده‌اند؟

عبدالرحمان شلیلیان: فیلم «بایندر» به عنوان یک پروژه و طرح ملی نیازمند همراهی و کمک ارگان‌ها و نهادهای ذیربط است. انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته، شخص دکتر پل مه دبیرکل انجمن، رئیس ستاد کل و معاون هماهنگ کننده ارتش، امیر دریادار سیاری، فرماندهی محترم و عقیدتی نداجا، عقیدتی کل آجا، استانداری کردستان، انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، بنیاد روایت فتح، مرکز هنری شهید واعظی «آجا» و مرکز هنری موج «نداجا» در این راه بسیار همراه و همدل بوده‌اند. فیلم «بایندر» به عنوان یک اثر هنری، می‌تواند پلی بین گذشته و آینده باشد و یادآور ارزش‌های بنیادینی شود که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند.